

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنْما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۹۰) آیاتِ حق

به آن آشنا گفتم:

- پیش تر فرمودید که مُنجیِ عالم، فرستاده خداوند است و، به فرمانِ "او"، حکومتِ الهی را در جهان بر پا

خواهد کرد؛

اکنون می گوید که فرمانروایانِ جوامعِ غریزیِ حیوانی هم، گرچه به دروغ، ادعا می کنند که خدا، یا تجلیِ

خُدا، یا، دستِ کم، نماینده "او" در زمین اند.

و افزودم:

- از چه راه، یا به چه شیوه، می توان سَفیرِ راستینِ "او" را از مُدعیانِ دروغین تشخیص داد؟

پرسید:

- مردم، در روزگاران گذشته، فرستادهٔ امپراطور را چگونه شناسایی می کردند؟

در پاسخ گفتم:

- پیکِ امپراطور، یک نشانِ سلطنتی را با خود می آورد تا تأییدی بر صحتِ مدعای او باشد.

پرسید:

- اگر کسی ادعا می کرد که به وکالت از سوی امپراطور برای حکومت در آن ناحیه از کشور منصوب شده است، آیا صرفِ به همراه داشتنِ آن نشان، برای اثباتِ صدقِ گفتهٔ او کفایت می کرد، و مردم، بی درنگ، به حکمرانی او گردن می نهادند؟

پاسخ دادم:

- خیر. او ملزم بود تا، در عمل، آن خطه را به شیوه ای اداره کند که مشابه و هماهنگ با نحوهٔ فرمانروایی خودِ امپراطور باشد.

هرگونه مغایرتِ بینِ شیوهٔ حکمرانی او با مَشیِ امپراطور، مردم را نسبت به او و ادعایش بدگمان می کرد.

چون

وکیل نباید، و نمی تواند، خلافِ خواستهٔ موکلِ خود عمل نماید.

فرمود:

- گرچه

تشبیه خداوند به یک امپراتور، نه یک سهو کوچک، بلکه گناه ی بزرگ است، ولی، به اذن "او"، در بحث حاضر، این کار می تواند، برای تقریب به ذهن، مفید واقع شود.

و افزود:

- برای جلب اعتماد و کسب اطاعت مردم،

پیک راستین فرمانروای هستی هم، باید نشان ی از سوی "او" با خود بیاورد؛

و اگر از جانب "او" فرمان یافته تا در زمین حکومت الهی تشکیل دهد،

نحوه پیشوایی و زمامداری او، باید، با اخلاق الهی، و با شیوه حکمرانی فرمانروای هستی بر کائنات،

مشابهت و هماهنگی داشته،

و جامعه ای که بر پا می کند نیز، باید، از همه نظر، با سامانه آفرینش همساز باشد.

پس از اندکی مکث فرمود:

- وقتی از اخلاق یک فرد سخن می گوئیم، دو چیز را در نظر داریم:

یکی صفات او، و دیگری رفتار او در عمل.

رفتار یک شخص مبتنی بر صفات اوست؛

و هر زمان که صفات او دگرگون شود، رفتارش نیز تغییر خواهد کرد.

پرسیدم:

- آیا در مورد فرمانروای هستی نیز می توان چنین گفت؟

"او" چه صفات ی دارد و شیوه حکمرانی اش چگونه است؟

فرمود:

- هرگز فراموش نشود که

خداوند، از هیچ نظر، هیچ گونه مانستگی و همانندی با هیچ یک از آفریدگانش ندارد.

خداوندی که شبیه به آفریدگانش باشد، نه آفریننده آنان، بلکه آفریده ذهن ایشان است.

ولی،

از آن جا که واژه های موجود در زبان شما انسان ها، همگی، بر اساس ویژگی های مخلوقات ساخته و

پرداخته شده اند،

لذا،

به دلیل نبود الفاظ درست و دقیق در وصف خالق در زبان شما، در گفتار درباره "او"، ناگزیریم، کلمات

رایج را به کار گیریم.

آنگاه فرمود:

- در پاسخ به پرسش شما، ارائه تعریف دقیق از دو مفهوم درباره خداوند، و پالایش ذهن از هر گونه برداشت نادرست راجع به آن ها، ضرورت تام دارد:

۱- توحید ۲- عدل

گرچه توحید به معنای یکتایی و یگانگی خداوند است، اما مُراد از واژه مزبور، این نیست که "او" یک است در برابر چند، و تک است در برابر چندین. همان گونه که در گفتگوهای پیشین گفته شده است، هیچ آفریدگار دیگری جز "او" نمی تواند موجود باشد؛ "او" اَحَد است و لذا بالضرورة واحد.

افزود:

- توحید ذاتی "او" مُستلزم آن است که تمامی صفات "او" نیز در ذات پاکش یکی باشند و همه افعال "او" هم یکسان از همه صفاتش سرچشمه گیرند. به بیان دیگر، توحید صفات و توحید افعال الهی، از توحید ذات "او" برمی آیند.

و ادامه داد:

- در میان صفات بی شمار "او"، صفت عدل، به تعبیری، مهم ترین آن هاست و همه افعال "او"، در همه ساحات هستی، عادلانه اند.

عدلِ الهی به این معناست که،

در کُلیتِ آفرینش، هر مخلوق در جای راستین اش مأوا دارد،

و نیز

هرگاه آفریده ای، با کردارِ خویش، خود را سزاوارِ جایگاهی دیگر - چه نیک و چه بد - کند،

دیر یا زود، بی درنگ یا سرانجام، در دنیا یا در آخرت،

در آن منزلِ جای خواهد گرفت.

چون عدالتِ راستین آن است که

حقِ هر فردِ ذیحق به خودِ او داده شود، و وی در مقامی که مستحقِ آن است استقرار یابد.

آن آشنا فرمود:

- در بیانِ این حقیقت که

آسمان ها و زمین به حق برپا گشته اند، به حق پایا مانده اند، و به حق جاودانه اند،

واژه حق، معنا و مفهومی جز توحید و عدلِ مُنبَعث از آن ندارد.

زیرا

آفرینش، تجلیِ توحید و عدلِ الهی است؛

و هستی، سامانه ای است از

نشانه هایی بی شمار و بیکران از آفریدگارِ یکتا و بی همتا؛

آیاتِ حضرتِ حق؛

آیاتِ دادآرِ بی‌همال

ادامه دارد